

روش هایی برای یک زندگی ناب

دوم قرننیان 16-18



16 بنابراین، امید خود را از دست نمی‌دهیم. اگرچه وجود ظاهری ما رفته رفته از بین می‌رود، وجود باطنی ما روز به روز تازمتر می‌گردد. 17 و این رنج و زحمت ناچیز و زودگذر، جلال عظیم و بی‌پایانی را که غیرقابل مقایسه است برای ما فراهم می‌کند 18 و در ضمن، ما به چیزهای نادیدنی چشم دوخته‌ایم نه به چیزهای دیدنی، زیرا آنچه به چشم می‌آید موقتی است، ولی چیزهای نادیدنی تا ابد پایدارند.

14 روشی وجود دارد تا تو زندگی خود را روزانه به صورت عالی مدیریت کنی. همه ماها به این نوع تبلیغات با امید خاصی نگاه کرده ایم. ولی این را هم ما می‌دانیم که از سال‌های درازی است که ما ضعف‌های زیادی را داریم و با آنها به خوبی آشنا هستیم و این را هم می‌دانیم که ما دیگر نمی‌توانیم در برابر این مشکلات طاقت بیاوریم. و همه ما این را هم قبول کرده ایم که دیگر از بهشت برای ما کمکی نمی‌رسد تا ما بتوانیم از این همه گرفتاری‌ها رها بشویم. و همچنین ما در روی زمین هر روز پیرتر می‌شویم و با این پیر شدن ما هر روز ضعیف‌تر هم می‌شویم. ولی شاید هم چیز دیگری هم وجود دارد؟ پیرترین بشارت دهنده ما یعنی پولس به ما می‌گوید که یک نیروی وجود دارد که ما را همیشه در حالت پایداری قرار می‌دهد. با توجه به تمام زجرهایی که پولس کشیده بود و زندانی‌هایی که سپری کرده بود و سفرهای بدی که داشت، ما می‌توانیم در او چیزی را متوجه شویم که جالب می‌باشد. ولی با تمام وجود همه دلیل‌ها باز او پایداری خودش را حفظ کرده بود. این امر برای ما خیلی جالب بنظر می‌آید. اما قبل از اینکه ما سالمندان خیلی خوشحال باشیم، ما باید سخن‌های پولس را گوش فرا دهیم. تا ما را با واقعیت آشنا سازد. او راجعه چیزی سخن می‌گوید که زندگی ظاهری ما را تحت شعاع قرار داده است. کلمات او برای ما خیلی معنی دارد و ارزش آن برای زندگی ما بیشتر از آن است که ما فقط به یک کودک طبیعی تبدیل بشویم. همه ما در زندگی مان دردها و رنج‌های زیادی را تجربه کرده ایم و همیشه یا بیمار هستیم و یا خسته. و این حالت از جنین انسان که در رحم مادر است شروع می‌شود. ولی با همه این وجود پولس از چیز دیگری سخن می‌گوید. او از انسانی می‌گوید که هیچ وقت خسته و ضعیف نمی‌شود. او این موضوع را به‌کرار گفته است و او همچنین از یک چهره زیبا سخن نمی‌گوید. عیسی مسیح هم به این تاکید می‌کند که ما باید دوباره متولد بشویم ولی نه از رحم مادر بلکه از درون، ما بایستی یک ادم جدیدی بشویم. و این را ما باید به خوبی درک کنیم. برخی از افراد به این اعتقاد دارند که در درون هر انسانی چیزی برای شفا دادن نهفته است. و او از همه پلیدی‌ها در امان می‌ماند. ولی هر چیزی که از وجود یک انسان نمایان می‌شود نمی‌تواند چیز خوبی باشد. مثلا اگر انسانی مریض بشود و یا دچار گرفتاری باشد نمی‌تواند او ادم شفا گرفته‌ای بنظر آید. منظور پولس در اینجا از درون وجود این می‌باشد که ما کودک خداوند محسوب بشویم. و همان در ارتباط بودن ما با خداوند می‌باشد و این فقط یک ارتباط قلبی با خدا نمی‌باشد بلکه ما در جلجتا با عیسی یکی شده ایم. ارتباطی که از زمان ادم و حوا بخاطر گناه قطع شده بود دوباره توسط عیسی وصل شده است. خدا ما را دوست دارد و به ما یاری می‌دهد و ما را در قلب خودش جای می‌دهد و در اغوش می‌گیرد. و او به ما می‌گوید که ما بهترین افریده او هستیم. همه اینها را ادم نمی‌تواند با چشم ببیند و یا با گوش بشنود. زمانی که ما در رحم مادر هستیم، هنوز متولد نشده ایم ولی از طریق او به ما غذا داده می‌شود. و او ما را به همه جا حمل می‌کند. ولی این جنین نمی‌تواند این اتفاقات را متوجه شود. ما مسیحیان هم همینطور هستیم ما توسط عیسی نجات یافته ایم و با غسل تعمید با خداوند یکی شده ایم. با وجود اینکه ما با خدا در ارتباط هستیم ولی ما او را نمی‌توانیم ببینیم. خداوند از طریق روح القدس به ما هر روز نیرو، امید و جرات می‌دهد تا ما بتوانیم به او ایمان بیاوریم. ما این نیرو را همیشه می‌توانیم حس بکنیم. و زمانی که یک جدالی وجود دارد می‌توان این نیرو را دریافت کرد. ما می‌توانیم همدیگر را ببخشیم و یک زندگی جدیدی را دوباره آغاز کنیم. و این را خدا انجام می‌دهد و او هر روز ما را یک ادم جدیدی می‌سازد. حتی اگر ما ادم پیری بشویم و یا دیگر هوشیاری و آگاهی دیگری نداشته باشیم. خدا همیشه به ما وفادار است و او

روح خودش را برای ما روانه می کند. خدا هیچ وقت خسته نمی شود و به پیام او می توان همیشه اعتماد کرد. برای همین است که پولس به این تاکید می کند که ما هم خسته نمی شویم. چیزی که پولس اینجا می گوید را نمی توان به راحتی درک کرد. او همچنین بایستی از تحت تعقیب قرار گرفتن های آن زمان رنج ببرد. همچنین افرادی هم هستند که بایستی امروزه در زندان ها قرار بگیرند و یا تحت تعقیب قرار می گیرند. حال چرا این افراد خسته نمی شوند؟ و چرا آنها بازهم از انجیل سخن می گویند. پولس دلیل آن را می گوید. ما در مقابل این همه رنج ها ارثیه ای از عیسی در بهشت خواهیم برد. و این ارث با ارزش خیلی مهمتر و با ارزش تر از این رنج ها می باشد. من هم به همراه پولس از این ارثیه با ارزش شگفت زده شده ام. شاید ما مسیحیان امروزی فراموش کرده ایم که این بهشت را به یاد آوریم؟ شاید ما به این دنیا زیاد عادت کرده ایم. شاید ما با امور دنیوی بیشتر از امور ابدی بسیار سرو کار داشته باشیم. و شاید هم ما فراموش کرده ایم که بعد از مرگ هم بهشتی وجود دارد. شاید هم ما طوری در این دنیا به این سیستم های دنیوی عادت کرده ایم که راه بهشت را دیگر گم کرده ایم. یک چنین 9 ماه را در بهشتی کوچک سپری می کند و بعد از تولد نمی داند که به کجا پا می گذارد. او تصویری نه از مادر و نه از این دنیای زیبا دارد. ما انسان ها هم در این دنیا همانند آن جنین زندگی می کنیم و خودمان را چنان به چیزهای بی ارزش این دنیا متصل کرده ایم که خیلی بی ارزش هستند. ما به چیزهایی که عادت کرده ایم ایمان آورده ایم. ولی خدا به این دنیا کوچک پا نهاده است. زیرا او دیدی بر تمام هستی دارد. در این دنیا ما چیزهایی رو می بینیم که در جلوی چشم ما هستند و ما آنها را حس می کنیم. ولی پولس این موضوع را برای ما طور دیگری نشان می دهد. و او دید ما را به جاهایی که ما نمی توانیم ببینیم باز می کند. ما به مژده خداوند توجه می کنیم که برای همیشه برای ما وجود دارد و نه به چیزهای دنیوی که ما استفاده می کنیم. عیسی هم این را گفته است: برای انسان چه سودی دارد که تمام جهان را ببرد، اما جان خود را از دست بدهد؟ زیرا او دیگر به هیچ قیمتی نمی تواند آن را باز یابد. (متی 16:26) او این امر را در تمام طول عمر خود حفظ کرده بود. او نه دیدی بر پول داشت و نه بر امور دنیوی بلکه مسیر زندگی پنهان او بر روی خداوند تنظیم شده بود. بدین ترتیب بود که او توانست به همه محبت داشته باشد و رنج های زیادی را تحمل کند. و او بالاخره توانست همه این راه را ببیماید تا به هدف خودش برسد و رستاخیز کند و در دست راست خدای پدر بنشیند. او این اعمال را انجام نداد که فقط ما یک الگویی برای خودمان داشته باشیم بلکه او این عمل را انجام داد تا راه گناه الود زندگی ما را پاک کند و ما بتوانیم به سوی خداوند برویم و در نزد او خانه ای داشته باشیم. این ها فقط جملات زیبایی نمی باشند بلکه اینها همه حقیقت محض هستند. حقیقتی که بر صحت مژده و خواست خداوند تاکید می کنند. و برای همین ما هیچ وقت از پا در نمی آییم. تمام مسیحیانی که در تمام دنیا زندگی می کنند به عیسی عبادت می کنند و آنها هم نیروهایی هستند که ما از طریق آنها قوت قلبی می گیریم تا ایمانمان را قوی تر سازیم. دست های ما همیشه در دست های همدیگر قرار دارد حتی در زمان های ناراحتی و مشکلات. ما از هم جدا می شویم و برخی اوقات هم با افراد جدیدی آشنا می شویم. و همه اینها زیر سایه آینده روشن ما شکل می پذیرد. و این امید به ما قوتی می دهد تا ما در این زندگی قدم های محکم و خستگی ناپذیری برداریم.

آمین